

عنوان مقاله:

واکاوی مفهوم تروما (روان زخم) در عکس آرتین سرایداران و باوان گلی از دیدگاه فروید

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات هنر و زیباشناسی، دوره 3، شماره 8 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 9

نویسندگان:

ابوالقاسم دادور - روان زخم به عنوان پدیده فردی و جمعی تلقی می شود. در عکس های گرفته شده از وقایع تلخ برای کودکان، نوع روان زخم ایجاد شده نیاز به شناخت و واکاوی دارد تا از تاثیرات ماندگار آن جلوگیری نماید. از این رو هدف اصلی پژوهش، دستیابی به مضمون روان زخم در عکس های آرتین

سارا بختیاری - دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران.

خلاصه مقاله:

روان زخم به عنوان پدیده فردی و جمعی تلقی می شود. در عکس های گرفته شده از وقایع تلخ برای کودکان، نوع روان زخم ایجاد شده نیاز به شناخت و واکاوی دارد تا از تاثیرات ماندگار آن جلوگیری نماید. از این رو هدف اصلی پژوهش، دستیابی به مضمون روان زخم در عکس های آرتین سرایداران و باوان گلی از دیدگاه فروید بوده است و سوال مطرح این است که مفهوم روان زخم فردی و جمعی با نظریات روان کاوی فروید چگونه در این دو عکس قابل تشریح و دیده شدن است؟ در جهت پاسخ به این سوال و نیل به هدف پژوهش، روش تحقیق کیفی از نوع توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات به صورت مطالعات کتابخانه ای در جهت تحلیل روان زخم فردی و جمعی در این عکس ها استفاده شده است. سرانجام نتایج نشان داد که عکس های آرتین سرایداران و باوان گلی، به نوعی بازنمایی فاجعه مبتنی بر احضار آن هستند و مبتنی بر رخداد های تلخ برای این دو کودک و حس درد و رنجی که در عکس های این دو کودک در حالات چهره و فرم بدنشان می توان دید، روان زخم فردی به خوبی هویدا است و دارای نشانه های روانکاوی؛ همچون رنج و درد، حس وحشت، اضطراب یا هر حس دردآلود روانی دیگر مرتبط با حادثه که عامل موثر و پابرجای آسیب زای روانی است را شامل می شود. با انتشار تصاویر و بیانیه های منتشر شده پیرامون این دو کودک، تاثیر روان زخم فردی، به روان زخم جمعی در ایران تبدیل شد و به نوعی عکس های این دو کودک تلاقی میان بازنمایی رنج شخصی و رنج عمومی هستند که منجر به بدل شدن روان زخم فردی به جمعی گشته اند. روان زخم جمعی برای مردم ایران با این دو عکس به صورت فرهنگ جراثحت نمود پیدا کرده است که همچنان حس رنج و درد روان زخم یک شاهد عینی را مقابل مخاطب قرار می دهد.

کلمات کلیدی:

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1957407>

